

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویجی پراشاد
برگردان: تحریریه گروه «۱۰ مهر»
۱۷ اگست ۲۰۲۳

سازمان ملل متحد یا ناتو؟

اگر همه می‌خواهند به ناتو بپیوندند، پس چرا سازمان ملل متحد وجود دارد؟



ویجی پراشاد می‌نویسد که بیانیه اجلاس سران کشورهای ناتو در ویلنیوس در اوایل ماه جاری بر مسیر اوکراین به سمت اتحاد نظامی غرب تأکید دارد و جهانشمولی ناتو را که خود تعریف می‌کنند، تشدید می‌کند. بیانیه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، که پس از اولین روز اجلاس سالانه آن در اوایل ماه جاری منتشر شد، مدعی می‌شود که «ناتو یک اتحاد دفاعی است». این بیانیه نشان می‌دهد چرا بسیاری برای درک ماهیت آن مشکل دارند. نگاهی به آخرین ارقام هزینه‌های نظامی نشان می‌دهد که، خلاف این ادعا، کشورهای ناتو و کشورهای متحد نزدیک ناتو، تقریباً سه‌چهارم کل هزینه‌های سالانه جهانی برای تسلیحات را تشکیل می‌دهند. بسیاری از این کشورها دارای سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته هستند که از نظر کیفی مخرب‌تر از تسلیحات اکثر کشورهای غیرناتو است. در ربع قرن گذشته، ناتو از قدرت نظامی خود برای نابودی چندین کشور، مانند افغانستان (۲۰۰۱) و لیبیا (۲۰۱۱) استفاده کرده و جوامع را با استفاده از نیروی وحشیانه اتحاد تهاجمی خود متلاشی کرده است. این اتحاد در سال ۱۹۹۹ به موجودیت یوگسلاوی به‌عنوان یک کشور متحد پایان داد. با توجه به چنین سابقه‌ای، حفظ این دیدگاه که ناتو یک «ائتلاف دفاعی» است دشوار می‌گردد.

در حال حاضر ۳۱ کشور در ناتو عضو هستند. جدیدترین عضو آن فنلاند است که در ماه اپریل به آن ملحق شد. از زمانی که ۱۲ عضو مؤسس آن (همه کشورهای اروپایی و امریکای شمالی که بخشی از جنگ علیه قدرت‌های محور بودند) در ۴ اپریل ۱۹۴۹ سند بنیانگذاری پیمان واشنگتن یا پیمان آتلانتیک شمالی را امضا کردند، تعداد اعضای آن بیش از دو برابر شده است. قابل ذکر است که یکی از این اعضای اصلی – پرتغال – در آن زمان تحت یک دیکتاتوری فاشیستی باقی ماند که به Estado Novo معروف است (از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۷۴).

ماده ۱۰ این معاهده می‌گوید که اعضای ناتو می‌توانند - «به‌اتفاق آراء» - «از هر کشور اروپایی دیگر» برای پیوستن به ائتلاف نظامی دعوت کنند. بر اساس این اصل، ناتو از عضویت یونان و ترکیه (۱۹۵۲)، آلمان غربی (۱۹۵۵) و اسپانیا (۱۹۸۲) استقبال کرد و تعداد اعضای خود را در آن زمان به ۱۶ کشور گسترش داد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای کمونیستی در اروپای شرقی - به‌اصطلاح تهدیدی که نیاز به ناتو را ضروری می‌ساخت - نیاز به این اتحاد را پایان نداد. در عوض، افزایش تعداد اعضای ناتو، جاه‌طلبی آن را برای استفاده از قدرت نظامی خود، از طریق ماده ۵، برای سرکوب هرکس که «اتحاد آتلانتیک» را زیر سوال ببرد، دو چندان کرده است.

«اتحاد آتلانتیک»، اصطلاحی که بخشی از نام ناتو است، بخشی از شبکه گسترده‌تری از معاهدات نظامی بود که توسط ایالات متحده علیه اتحاد جماهیر شوروی، و پس از اکتوبر ۱۹۴۹ علیه جمهوری خلق چین، منعقد و تأمین شد. این شبکه شامل دو پیمان سیتو و سنتو بود: پیمان مانیل در سپتامبر ۱۹۵۴، که منجر به سازمان پیمان جنوب شرقی آسیا (SEATO) شد، و پیمان بغداد در فبروری ۱۹۵۵، که به سازمان پیمان مرکزی (CENTO) تغییر نام یافت. ترکیه و پاکستان در اپریل ۱۹۵۴ یک قرارداد نظامی امضاء کردند که آن‌ها را در اتحادی علیه اتحاد جماهیر شوروی گرد هم آورد و این شبکه را از طریق جنوبی‌ترین عضو ناتو (ترکیه)، و غربی‌ترین عضو سیتو، پاکستان، به هم متصل و محکم کرد. ایالات متحده با هر یک از اعضای سنتو و سیتو یک قرارداد نظامی امضاء کرد و تضمین کرد که در این ساختارها یک صندلی بر سر میز دارد.

پیش‌بینی نهر و

جواهر لعل نهر و، نخست وزیر هند، در کنفرانس آسیائی - افریقائی که در اپریل ۱۹۵۵ در باندونگ، اندونزی برگزار شد، به‌شدت به ایجاد این اتحادهای نظامی واکنش نشان داد، واکنشی که منجر به تنش بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در سراسر آسیا شد. او گفت که مفهوم ناتو «از دو جهت گسترش یافته است»: اول، ناتو «از اقیانوس اطلس بسیار دور شده و به اقیانوس‌ها و دریا‌های دیگر رسیده است» و دوم، «ناتو امروز یکی از قدرتمندترین حامیان استعمار است». به عنوان مثال، نهر و به ایالت و بندر گوا (Goa) در غرب هند اشاره کرد که هنوز در دست پرتگال فاشیست بود و اعضای ناتو کنترل آن را توسط پرتگال تأیید کرده بودند - نهر و گفت، اقدامی از یک «گستاخی فاحش». این توصیف از ناتو به‌عنوان یک جنگ طلب جهانی و مدافع استعمار، با برخی تغییرات همچنان دست نخورده باقی مانده است.

سیتو در سال ۱۹۷۷، تا حدی به‌دلیل شکست ایالات متحده در ویتنام، منحل شد و سنتو در سال ۱۹۷۹، دقیقاً به‌دلیل انقلاب ایران در آن سال، به تاریخ پیوست. ستراتیژی نظامی ایالات متحده با تأسیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده در سال ۱۹۸۳، و احیای مجدد فرماندهی اقیانوس آرام در همان سال، تمرکز خود را از اعمال این نوع پیمان‌ها، به ایجاد حضور نظامی مستقیم تغییر داد.

ایالات متحده جای پای نظامی قدرت جهانی خود را گسترش داد، از جمله، توانائی برای حمله به هر نقطه از کره زمین به استفاده از پایگاه‌های نظامی و ناوگان‌های مسلح خود، که پس از انقضای دومین معاهده بحری ۱۹۳۰ لندن در سال ۱۹۳۹، دیگر محدودیتی نداشتند). اگرچه ناتو همیشه جاه‌طلبی‌های جهانی داشته است، اما از طریق طراحی‌های نیروی نظامی ایالات متحده و ایجاد ساختارهای جدید، کشورهای متحد را بیشتر در مدار خود قرار داد و (با برنامه‌هایی مانند «مشارکت برای صلح» که در سال ۱۹۹۴ راه اندازی شد، و مفاهیمی مانند «شریک جهانی ناتو» و «متحد غیر ناتو» که نمونه آن جاپان و کوریای جنوبی است)، به آن واقعیت مادی بخشید. ناتو در سند «مفهوم

ستراتژیژیک» خود در سال ۱۹۹۱ نوشت که «با تأمین نیرو برای مأموریت‌های سازمان ملل متحد به ثبات و صلح جهانی کمک خواهد کرد»، که البته این «مفهوم ستراتیژیک» با نیروی مرگبار در یوگسلاوی (۱۹۹۹)، افغانستان (۲۰۰۳) و لیبیا (۲۰۱۱) تحقق یافت.

در اجلاس ریگا (۲۰۰۶)، ناتو مطمئن بود که «از افغانستان تا بالکان و از بحیره مدیترانه تا دارفور» را زیر چتر عملیات خود دارد. تمرکز نهر و بر استعمار ممکن است اکنون نابهنگام به نظر برسد، اما در واقع، ناتو به ابزاری برای خنثی کردن تمایل اکثریت جهانی برای استقلال و عزت، دو مفهوم کلیدی ضداستعماری، تبدیل شده است. هر پروژه مردمی که به دنبال اعمال این دو مفهوم باشد، خود را در برابر یک سیستم تسلیحاتی ناتو می‌بیند.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سیستم دولتی کمونیستی اروپای شرقی واقعیت اروپا را دگرگون کرد. ناتو به سرعت «ضمانت‌های آهنینی» را که جمیز بیکر، وزیر خارجه آمریکا در ۹ فبروری سال ۱۹۹۰ در مسکو به ادوارد شوارندازه، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی مبنی بر عدم پیشروی نیروهای ناتو در «شرق» مرز المان ارائه کرده بود، نادیده گرفت. چندین کشور هم‌مرز با منطقه ناتو، در دوره‌ای بلافاصله پس از فروپاشی دیوار برلین، به شدت آسیب دیدند و با رکود اقتصادی مواجه شدند، زیرا خصوصی‌سازی امکان زندگی با عزت را از مردم گرفته بود. بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، که خلاف وعده‌ها، امیدی به ورود به اتحادیه اروپا (EU) نداشتند، دریافتند که بهای پذیرفته شدن در اتحادیه اروپا، پیوستن به ناتو است. در سال ۱۹۹۹، چک، هنگری و پولند به ناتو پیوستند، و در سال ۲۰۰۴ کشورهای بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی)، بلغارستان، رومانی، اسلوانی و اسلواکی به عضویت ناتو درآمدند. بسیاری از این کشورها، که مشتاق سرمایه‌گذاری در کشور و بازار خود بودند، در سال ۲۰۰۴، به سهولت به اتحادیه آتلانتیک شمالی، ناتو، و اتحادیه اروپا پیوستند.

ناتو به گسترش خود ادامه داد و در سال ۲۰۰۹، البانی و کرواسی، در سال ۲۰۱۷، مونتنگرو، و در سال ۲۰۲۰، مقدونیه شمالی را به عضویت ناتو درآورد. با این حال، فروپاشی برخی بانک‌های ایالات متحده، کاهش جذابیت ایالات متحده به عنوان آخرین راه‌حل، و ورود جهان آتلانتیک به یک بحران اقتصادی بی‌امان پس از سال ۲۰۰۷، زمینه را تغییر داد. کشورهای آتلانتیک دیگر چه به عنوان سرمایه‌گذار و چه به عنوان بازار دیگر قابل اعتماد نبودند. پس از سال ۲۰۰۸، سرمایه‌گذاری زیرساختی در اتحادیه اروپا به دلیل کاهش هزینه‌های عمومی ۷۵ درصد کاهش یافت و بانک سرمایه‌گذاری اروپا هشدار داد که سرمایه‌گذاری دولت به کمترین میزان در ۲۵ سال اخیر خواهد رسید.

ورود سرمایه‌گذاری‌های چینی و امکان ادغام در اقتصاد چین باعث شد بسیاری از اقتصادها، به ویژه در اروپای مرکزی و شرقی، از پیمان آتلانتیک دور شوند. در سال ۲۰۱۲، اولین اجلاس سران چین و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (اجلاس چین-CEEC) در وارسا، پولند، با حضور ۱۶ کشور منطقه برگزار شد. این روند در نهایت شامل پانزده عضو ناتو، از جمله البانی، بلغارستان، کرواسی، چک، استونی، یونان، هنگری، لتونی، لیتوانی، مقدونیه شمالی، مونتنگرو، پولند، رومانی، اسلواکی و اسلوانی، شد. (در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، استونی، لتونی و لیتوانی از ابتکار عمل خارج شدند). در مارچ ۲۰۱۵، شش کشور عضو آن‌زمان اتحادیه اروپا - فرانسه، المان، ایتالیا، لوکزامبورگ، سویدن و بریتانیا - به بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیائی مستقر در بیجینگ پیوستند. چهار سال بعد، ایتالیا اولین کشور G ۷ شد که به طرح کمربند و جاده (BRI) پیوست. * دو سوم کشورهای عضو اتحادیه اروپا اکنون بخشی از BRI هستند و اتحادیه اروپا توافقنامه جامع سرمایه‌گذاری را در سال ۲۰۲۰ منعقد کرد.

این مانورها به سمت چین تهدیدی برای تضعیف اتحاد آتلانتیک بود و ایالات متحده آن کشور را در ستراتیژی دفاع ملی خود در سال ۲۰۱۸ به عنوان یک «رقیب ستراتیژیک» توصیف کرد - عبارتی که نشان‌دهنده تغییر تمرکز آن

بر به اصطلاح «تهدید چین» است. با این وجود، در نومبر ۲۰۱۹، یونس استولتنبرگ دبیرکل ناتو اعلام کرد که «هیچ برنامه‌ای، هیچ پیشنهادی، هیچ قصدی برای انتقال ناتو به مثلاً بحیره چین جنوبی وجود ندارد». با این حال، تا سال ۲۰۲۰، حال و هوا تغییر کرد: تنها هفت ماه بعد، استولتنبرگ گفت: «ناتو چین را به عنوان رقیب یا دشمن جدید نمی‌بیند. اما آنچه می‌بینیم این است که ظهور چین به طور اساسی توازن قدرت جهانی را تغییر می‌دهد.» استولتنبرگ ادامه داد که پاسخ ناتو همکاری با شرکای خود - از جمله استرالیا، جاپان، نیوزیلند و کوریای جنوبی - برای رسیدگی به پیامدهای امنیتی ظهور چین بوده است. «صحبت از ناتوی جهانی و ناتوی آسیایی در محوریت این چاره‌جویی‌ها و صحبت‌ها قرار دارد، او در ویلنیوس اظهار داشت که «ایده یک دفتر ارتباط در جاپان روی میز است.»

جنگ در اوکراین جان تازه‌ای در اتحاد آتلانتیک دمیده و چندین کشور مردد اروپایی - مانند سویدن - را به صفوف خود کشانده است. با این حال، حتی در میان مردمی که در کشورهای ناتو زندگی می‌کنند، گروه‌هایی وجود دارند که نسبت به اهداف ائتلاف بدبین هستند، و این مسأله با اعتراضات ضد ناتو در اجلاس ویلنیوس خود را نشان داد. بیانیۀ اجلاس سران ویلنیوس بر مسیر اوکراین به سمت ناتو تأکید، و جهانشمولی ناتو را که خود تعریف می‌کند، تشدید کرد. به عنوان مثال، این بیانیۀ اعلام می‌کند که چین «منافع، امنیت و ارزش‌های ما» را زیر سؤال می‌برد و کلمۀ «ما» در اینجا نه تنها کشورهای ناتو بلکه کل نظم بین‌المللی را نمایندگی می‌کند. ناتو به آرامی، خود را به عنوان جانشین سازمان ملل متحد قرار داده و نشان می‌دهد که این سازمان - و نه جامعه بین‌المللی واقعی - داور و حافظ «منافع، امنیت و ارزش‌های» جهان است. این دیدگاه مورد اعتراض اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان است که هفت میلیارد نفر از آنها حتی در کشورهای عضو ناتو (که کل جمعیت آنها کمتر از یک میلیارد است) ساکن نیستند. آن میلیاردها متعجبند که چرا ناتو می‌خواهد جانشین سازمان ملل شود.

***توضیح مترجم:** بنا بر گزارش روزنامه رمی La Repubblica، ایتالیا دیگر یادداشت تفاهمی را که این کشور را به این ابتکار متعهد می‌کند تمدید نخواهد کرد. جورجیا ملونی، نخست وزیر ایتالیا روز پنج شنبه ۲۷ جولای در دیدار با جو بایدن، رئیس جمهور امریکا در واشنگتن اعلام خواهد کرد که ایتالیا تا پایان سال جاری از پیمان سرمایه‌گذاری «جاده ابریشم جدید» با چین برای شبکه‌های تجاری و زیر ساختی خارج می‌شود.

منبع: سایت کنسورسیوم نیوز

<https://consortiumnews.com/2023/07/23/un-or-nato/>

برگرفته از: مؤسسه تحقیقات اجتماعی سه‌قاره‌ای، ۲۰ جولای ۲۰۲۳